

# از پاریز تا پاریس

تألیف

باستانی پاریزی (محمد ابراهیم)

دکتر در تاریخ، استاد تاریخ دانشگاه تهران

## فهرست

- مقدمه چاپ هفتم..... ۱۳
- بر چاپ چهارم..... ۱۴
- درآمد چاپ سوم..... ۱۵
- مقدمه چاپ دوم..... ۱۶
- هفت شهر هفت جوش هفت رنگ..... ۱۷

### ۱- درکنار فرات

- سفرنامه عراق..... ۲۵
- (ژنرال زمستان، آهنگ، بیستون، دیاله، دجله، پول خرد، جلولاء، بردار و بخور، کاظمین، کیک جمهوری و پارک خیام، تأثیر محتشم، طفلان مسلم، حسینیه، بهار کربلا، بنای حرم، پناهگاه دام و دد، سقوط نادری، با هراس یا بی هراس، آینه کاری، وادی السلام، مزاربان تاریخ، معدل و عارف، حناپندان، خانه حضرت امیر، دار الاماره، جاناً ها؛ مالاً نه! بولوار کوفه، جغرافی سعدی،

آهوی اسیر، معبد زنان، دختر حوا و پسر آدم، بهار عشق<sup>۶</sup>، اجر دنیا و خیر آخرت پنجاب عراق، زن و نخل، سامرآ، سادیس، طلا در گنبد<sup>۷</sup>، شعر صغیر، سردابه صاحب، کشوان، عرب و اسرائیل، بغداد و کرمان، چاه در رودخانه، طاق کسری و سیاه چادر<sup>۸</sup>، موزه‌ها، دانشکده زبان، میدان بزرگ، عربی حرف زدن عجم، جمهوری مادام العمر، حقیقت برهنه است<sup>۹</sup>، فرمایشی به زبان ترکی، دستی از دور بر آتش، رستم دستان، پل زهاب، مادها)

سیاهه عمر (شعر) ..... ۱۰۱

## ۲- جشن هنر

سفرنامه شیراز ..... ۱۰۳

خودگریز (شعر) ..... ۱۱۹

## ۳- در خاک پاک

سفرنامه پاکستان ..... ۱۲۱

(راه آهن؛ رشته حیات، برق در خرمن، کشور دو پاره، میزبانها، دانشگاه بزرگ، لباس رسمی، گوشت کیلویی ۴ تومان، بنکدار، بهار در زمستان، فارسی در پاکستان، مزار قائد اعظم، کراچی امیدوار، بیگانگان فارسی خوان، آرشیو دانشگاه، میکرو فیلم‌ها، گویچه شیشه‌ای، فارسی در لاهور<sup>۱۴</sup>، مهربانی خوش

دامن، محمد اقبال، بانوی کرمانی، پیر مجله محله، چند سطر تاریخ<sup>۱۵</sup>، شاهی قلعه، پلو دادا گنج بخش، حجره استادی، کتب خطی<sup>۱۶</sup>، مهار در بینی، ایاز و محمود<sup>۱۷</sup>، باغ شالیمار، اسب راجه، زندان مسعود، پایتخت نو رسیده، سخنرانی به فارسی، برگهای لاله<sup>۱۹</sup>، بحثی در باب تاریخ و گاه‌شماری<sup>۲۰</sup>، فارابی پشتو، یادی از بخاری، قلعه پیشاور، باستانی پاکستانی، عارف پیشاوری، چینی در پیشاور، ادیب پیشاوری، این وری یا آن وری<sup>۲۲</sup>، هفت جوش هفت رنگ، خیبر کجاست، کوشانیان، قطار اسیران، سوداگران اسلحه، حکومت ژنرال‌ها، چماق نقره، در راه افغانستان، راه ترانزیت، راه شیوه<sup>۲۴</sup>، بازی چپ و راست)

غوغای سفید و سیاه (شعر) ..... ۲۴۶

اعجاز (شعر) ..... ۲۴۷

## ۴- شهر تبریز است و کوی گلستان

سفرنامه تبریز ..... ۲۴۹

مناظره گل مصنوعی و طبیعی (شعر) ..... ۲۶۰

## ۵- پرده‌هایی از میان پرده

سفرنامه رومانی ..... ۲۶۳

(میان پرده، دریاگذار، دیدنی نه شنیدنی، داس و چکش به جای داس و بیل<sup>۲۷</sup>)

آدم قلعه، قوم و خویش‌ها، آرشیو لازم است، مصحفی در میان، تبرزین و کَشکول، احسن الخالقین، فرستاده یا سفیر<sup>۲۹۰</sup>، وضع مالی، دکتری افتخاری، شب نشینی، یادی از روستا، معدن مس پاریز، خانه پلاس، صمصام و قالی باف، قالی بافی، پناه به خدا<sup>۳۱۰</sup>، مسجد مسلمانان، شعر عربی بر کلیسا، روضه ترکی، افتدی نویسنده<sup>۳۲۰</sup>، همسر شاعر، شراب خانه معرفت<sup>۳۳۰</sup>، ولایات انگورخیز، برخاستها، دید زن<sup>۳۴۰</sup>، زنان معلمه، راه ده زنگو، پول چگونه است؟، زیرساز اجتماع، اقتصاد یزدی، شرق شناسی<sup>۳۵۰</sup>، کشتزار سوسیالیسم، استعمار متحرک، درآمد سرانه<sup>۳۶۰</sup>، منقل پلو، بلای همسایگی، حساب اسلحه فروشی، تیرخور، هدف یا وسیله، غنچه دهان من بیا، کاخ بزرگان، شب گریز، جامعه بی طبقه<sup>۳۸۰</sup>، اقتصاد و ابومسلم، گره زدن ماده با معنی، کعبه یا خدای کعبه، شاخ شکسته در خاک مازندران<sup>۳۹۰</sup>، فریاد جمع، عرفان و سوسیالیسم، بقای نوع از ژنو تا پاریز، تاریخ و پزشکی، پنج من حلیم، شمشیر قهر خداوندی، فرار آزادگان<sup>۴۱۰</sup>، کوچه آشتی‌کنان، بلال مؤذن، تجرد عتقا<sup>۴۲۰</sup>، کاروان شعر، یاد استاد، خوشا و چون)

مرگ بهرنگی (شعر)..... ۴۲۶

لاله زار (شعر)..... ۴۲۸

### ۶- هزاره بیهقی

سفرنامه مشهد..... ۴۳۱

### ۷- از پاریز تا پاریس

سفرنامه اروپا..... ۴۴۳  
 (چه چیزها ترقی کرده!، بانک و اعتبار، حکومت سرهنگ‌ها، غذای هوایی<sup>۴۵۰</sup>، پاسبان در اروپا، یاد خاک پاک، رفیق راه، تاریخچه وین، زبان رسمی بین و برو، برجهای شهرها، عدل خدایی<sup>۴۶۰</sup>، رومی روم، یاد ویکتور هوگو، نخستین درس تهران، صد درجه اختلاف، پیش از رود، رود بند، شوخی با پزشکان، الله الشافی<sup>۴۷۰</sup>، عباى طبیبان، اعترافات یک طبیب، طبیعت مادر طب<sup>۴۸۰</sup>، بیمه استاد، آزمایشگاه تاریخ، اروپا و زمستان، دنیا دست کیست؟، زندان شی یون<sup>۴۹۰</sup>، شب نشینی زندانیان، قبر هدایت، تقویم سفر اروپا، تفت لحاف، تنها فضیلت، کار بیکاری<sup>۵۰۰</sup>، معنویات در تمدن غرب<sup>۵۱۰</sup>، جهانی در گوشه‌ای)

اشتهای شاعر (شعر)..... ۵۱۹

غم خزان (شعر)..... ۵۲۰

### ۸- کنگره‌ای در اکسفورد

کنگره..... ۵۲۱

برای که؟..... ۵۴۳

نام یاب..... ۵۴۵

## ۱ در کنار فرات

لبان تشنه برآساید از کنار فرات...

کار زیارت هم این روزها مثل هر کار دیگری ماشینی شده است.<sup>(۱)</sup> صبح ساعت ۸ از تهران راه می‌افتید، ساعت ۱۱ روز بعد در حرم کاظمین زیارت جوادین خواهید کرد - و حال آن که ۳۶۸ کیلومتر تا همدان و از آنجا ۱۹۰ کیلومتر تا کرمانشاه و از آنجا ۳۱۳ کیلومتر تا مرز خسروی و ۱۷۰ کیلومتر تا بغداد را پیموده‌اید.

البته در مرز عراق یکی دو ساعت معطلی در کار هست، زیرا هنگام رفتن، گمرک عراق کم و بیش جستجویی می‌کند که مبادا قالیهای بزرگ و اشیاء دیگر به عنوان زیارت وارد عراق شود. اما به هر حال آدمی که زیارت می‌کند طبعاً کاری به تجارت ندارد. پس زودتر رهایش می‌کنند.

از مرز خانقین تا بغداد حدود ۱۷۰ کیلومتر راه است و با این حساب مسافت ۱۷۰ فرسخی را که پدران ما بیش از یک ماه می‌پیمودند، ما یک شبانه‌روز

---

۱ - یادداشت‌هایی از سفری است که از اول تا چهاردهم فروردین ۱۳۴۷ ش / ۲۱ / مارس تا ۳ آوریل ۱۹۶۸ م. به منظور زیارت عتبات عالیات صورت گرفت، این سفر به دعوت کسی نبود، مولا طلبیده بود و به خیر و خوشی انجام یافت.



می‌پیماییم.

وقتی من از دامنه‌های کوه پاتاق کرمانشاه می‌گذشتم، به خاطر می‌آمد که پدربزرگم می‌گفت که آن را پیاده طی کرده بود، تا مردم ده او را «کربلایی زین العابدین» بخوانند و همیشه از مشکلات این راه و گردنه‌ها با من صحبت می‌کرد. آخر، او، علاوه بر این طریق کوهستانی، بیابانهای انار و یزد و کرمانشو و اردستان و نایین و سایر نقاط بین راه را هم پیاده پیموده و از چنگ دزدان گردنه زین الدین جان به در برده بود!

بنده بین راه فکر می‌کردم که لابد ثواب زیارت پدربزرگ که بیش از یک ماه در راه بوده از ثواب من که تنها ۲۴ ساعت در راه بوده‌ام حتماً بیشتر است<sup>(۱)</sup>.

اما وقتی حساب کردم که من هم از یک ماه پیش تقاضای صدور گذرنامه کرده‌ام و روزی پنج شش بار فاصله ده کیلومتری بین منزل و اداره اتباع خارجه و گذرنامه را پیموده‌ام و هربار صدها پله را پایین و بالا رفته‌ام، با حساب دقیق، متوجه شدم که هم طول مدت زیارت، و هم فواصلی را که پیموده‌ام و هم پله‌هایی را که طی کرده‌ام، از زحمت عبور گردنه پاتاق کمتر نبوده است.

با این حساب گمان کنم حساب من و پدربزرگ با هم چندان تفاوتی نداشته باشد.

با اینکه ایام عیدنوروز بود سرمای سوزان گردنه آوج و ژنرال زمستان گردنه اسدآباد امان از مسافران ربوده بود. شوشه‌های یخ

از ناودانها آویزان بود، احدی نمی‌توانست خارج از

محوطه قهوه‌خانه بیش از چند لحظه توقف کند. تا این لحظه برای من مشکل بود تصور کنم که چگونه دهها هزار سپاهیان سلطان محمد خوارزمشاهی در راه همدان از پا افتاده بوده‌اند، اما اینک برایم مسلم و روشن شد که «ژنرال

۱- او مجموعاً نزدیک ۳۵۰ فرسنگ = ۲۱۰۰ کیلومتر راه را پیاده طی کرده بود.

زمستان»<sup>(۱)</sup> بعد از مسکو و کوهستان آلپ شاید در این نقطه از قویترین دشمنان لشکرکشی‌های بی‌امان بوده است.

ما تقریباً همان راهی را طی کردیم، که قرن‌ها پیش سلطان محمد خوارزمشاه برای جنگ با خلیفه در ۶۱۴ هـ (۱۲۱۷ م.) پیموده بود، منتهی او از طریق زنجان خود را به همدان رساند و «چون از همدان دو سه روز راه گذشت برف و باران بر آنها فرود آمد، چندان که تمام چارپایان و جمعی کثیر از سپاهیان نابود شدند و ترکان و کردان نیز بر آنان تاختند و بقیه را به قتل رساندند و بنابراین سلطان به خراسان بازگشت»<sup>(۲)</sup>.

خواندمیر گوید که «در اوایل فصل خریف، حریف برف و سرما به مرتبه‌ای هجوم نمود که برف از سرخیام عساکر نصرت انجام درگذشت و دست و پای لشکریان از شدت برودت از کار و رفتار بازماند و بسیاری از چهارپایان روی به چراگاه عدم نهادند»<sup>(۳)</sup>. این واقعه باید حدود اسدآباد رخ داده باشد.

گردنه آوج در این طرف همدان است، سپس دشت

حاصلخیز «رزن» شروع می‌شود با رودخانه‌ای پرآب،

آنگاه به «کبودرآهنگ» می‌رسیم: قسمت اخیر این کلمه

باید باقیمانده و اثری از کلمه انجمن و هنگمتانه باشد، که محل جمع شدن و گردآمدن مردم است و نام قدیم اکباتان (همدان) بوده. این نکته را هم عرض کنم که در کوهستان ما، کلمه «آهنگ» به معنای محل تجمع گوسفندان و اغنام هنوز هم مستعمل است.

گمان من این است که هنگمتانه یک قلمه نظامی و محل اجتماع سپاهی

۱ - تعبیری است که ناپلئون در مورد سرمای روسیه کرده بود و گویا جایی هم اظهار داشته بود که «برای تسخیر روسیه اول باید برفها را آب کرد!»

۲ - ابن اثیر، الکامل، ج ۱۲، ص ۱۳۱.

۳ - حبیب السیر، ج ۲، ص ۶۳۶.